

انفجار حسینه شیراز و پیامدهای آن

بازی خطرناکی که با ابهام آغاز شد

سخنی دلسوزانه با آیت‌الله دری نجف‌آبادی، دادستان کل کشور

عبدالله شهبازی

حادثه حسینه سیدالشهداء شیراز (شنبه ۲۴ فروردین ۱۳۸۷، حوالی ساعت ۹:۱۵ شب)، محل برگزاری جلسات هفتگی کانون رهپویان وصال، را از نخستین لحظات و با شنیدن صدای انفجار دنبال کردم و یکی از اولین گزارش‌های خبری و تصویری را در این زمینه در وبلاگم منتشر نمودم. [۱] از همان ساعات اولیه، شیوه برخورد به این حادثه مهم، که به شهادت و مجروح شدن حدود دویست نفر انجامید، ابهام‌های جدی را نه تنها برای من، بلکه برای بسیاری از مردم شیراز، پدید آورد. از همان آغاز کاملاً روشن بود که این حادثه خرابکاری سازمان‌یافته است. علاوه بر گواهی افراد مطلع و معتمد و متخصصی که محل نمایشگاه جنگ (معروف به «معراج شهدا») را در مکان حسینه فوق از نزدیک می‌شناختند، و با قطعیت و یقین کامل بر فقدان مهمات مسلح در غرفه فوق گواهی می‌دادند، دلیلی نداشت که مهمات تخریب نشده و کهنه تصادفاً در همان شب و در همان ساعاتی منفجر شود که مراسم هفتگی حسینه برگزار می‌شد و آن هم درست در زمان معینی از این مراسم. همه شواهد بر سازمان‌یافته و عمدی بودن حادثه گواهی می‌داد. معهداً، از همان آغاز، فرماندار شیراز، سرهنگ ابراهیم عزیزی، و سپس دیگران به تاسی از او، با اصرار تمام بر «غیرعمدی» بودن انفجار تأکید کردند؛ محل انفجار را در کنترل شدید خود گرفتند و به شدت کوشیدند تا اخبار مربوطه را کنترل و سانسور کنند. آقای غلامرضا سلطانی، که گویا از مریبان تخریب سپاه است، شروع این اقدامات نامتعارف و عجیب را چنین توصیف می‌کند:

«سؤال: آیا شما صحنه واقعه را از نزدیک دیدید؟»

سلطانی: بله. وقتی به صحنه رسیدم هنوز مجروح در محل بود. من سرم در چاله ایجاد شده توسط مواد منفجره بود و داشتم مزه مزه می‌کردم و صحنه را بررسی کرده بودم که آقای فرماندار [سرهنگ عزیزی] با کارشناسش رسیدند. این کارشناس، که از نظر سیاسی نان‌خور عزیزی است، همان ابتدا این طرف و آنطرف می‌پرید و مرتب می‌گفت اصلاً بمب نبوده، از نمایشگاه بوده و این حرف‌ها. هر چه هم ما گفتیم فلانی اینطوری نکن، افاقه نکرد...» [۲]

بدینسان، در میان اعتراض شدید جوانان و دانشجویان، به‌ویژه شرکت‌کنندگان در مجالس هفتگی «کانون رهپویان وصال»، و ناباوری افکار عمومی و مردم شهر، موجی بزرگ از انکار عمدی بودن این حادثه آغاز شد. اکنون، ادعا می‌شود که این انکار «سازمان‌یافته» و ترفند «هوشمندانه» اطلاعاتی برای کشف «شبکه بمب‌گذاران» و دستگیری آنان بوده است!

قطعاً چنین نیست. اگر قرار بود برای فریب دادن و ردیابی و کشف و دستگیری بمب‌گذاران اعلام بمب‌گذاری مسکوت گذارده شود، نیاز نبود چنین چالش جدی و جنجالی میان جوانان و دانشجویان با مسئولین استان پدید آید، که به ایجاد «ستاد حقیقت‌یاب دانشجویی حادثه انفجار در کانون رهپویان وصال» [۳] بینجامد؛ و نیاز نبود که این مسئله در اطلاعیه شورای امنیت کشور، مورخ ۲۷ فروردین ۱۳۸۷، که به ریاست آقای مصطفی پورمحمدی وزیر وقت کشور تشکیل جلسه داد، به شکل زیر اعلام شود:

با ابراز تاسف و تأثر عمیق از بروز حادثه دلخراش مورخ ۲۴/۱/۸۷ در محل حسینه سیدالشهداء شیراز، بدینوسیله به

مردم شریف کشورمان خصوصاً مردم استان فارس و خانواده‌های جان‌باختگان حادثه تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند منان برای آن مرحومان رحمت واسعه و برای بازماندگان صبر جمیل و اجر جزیل و برای مجروحان حادثه شفای عاجل مسئلت داریم. با توجه به ارائه اخبار و گزارش‌های پراکنده و بعضاً ناهماهنگ از سوی جراید، روزنامه‌های مرکز و محلی، نشریات و سایت‌های خبری داخلی و خارجی درباره علت یا دلایل بروز این حادثه به استحضار مردم شریف کشور می‌رساند، براساس مطالعات و بررسی‌های میدانی دقیق صورت پذیرفته از سوی نمایندگان و کارشناسان ارشد اعزامی شورای امنیت کشور به شیراز مشخص گردید علت اصلی حادثه دلخراش مورخ ۸۷/۱/۲۴ انفجار ناشی از وجود برخی از مهمات جنگی موجود در غرفه یادمان شهدا در حسینیه سیدالشهدا بوده است و انفجار هرگونه بمب یا انتقال مواد انفجاری از بیرون به دست عوامل و عناصر معاند اعم از داخلی و خارجی در این حادثه منتفی است. درعین حال پیرامون جزئیات مربوط به نحوه و چگونگی انفجار اقلام جنگی نمایشگاه یادمان شهدا بررسی‌های کارشناسی فنی همچنان ادامه دارد و نتایج نهایی در آینده نزدیک اعلام خواهد شد. لذا، با نگرش به مراتب فوق، از تمامی ارباب جراید، صاحبان قلم، کارشناسان، خبرنگاران و تهیه‌کنندگان خبر و گزارش انتظار می‌رود از هرگونه گمانه‌زنی و یا اظهار نظر غیر کارشناسی در این رابطه خودداری کنند.» [۴، ۵، ۶]

به عبارت دیگر، شورای امنیت کشور، که با شورای عالی امنیت ملی تفاوت دارد و ریاست آن با وزیر کشور است، از اصحاب قلم و رسانه می‌خواهد که حادثه فوق را «تعمدی» و «بمب‌گذاری» و «خرابکاری» نخوانند! در پیامد این اطلاعیه، که با حیرت و اعتراض شدید در شیراز مواجه شد، آیت‌الله جنتی، خطیب نماز جمعه ۳۰ فروردین تهران، حادثه را به صراحت «تصادفی» و ناشی از انفجار مهمات در نمایشگاه فوق خواند. این اظهارات نیز با واکنش اعتراضی شدید دانشجویان و جوانان در شیراز مواجه گردید. از همان زمان، کامنت‌های اینترنتی در وبگاه‌ها و وبلاگ‌های متعدد حاکی از آن بود که بخش قابل توجهی از جوانان و دانشجویان شیراز حادثه را «خرابکاری» می‌دانند و به عملکرد فرماندار شیراز و مسئولین استان فارس در این زمینه و نیز به اطلاعیه وزارت کشور به شدت معترض‌اند.

سرانجام، شب چهارشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۷، آقای محسنی اژه‌ای، وزیر اطلاعات، پس از اجلاس هیئت دولت در شیراز در حضور مقام معظم رهبری، طی مصاحبه‌ای در فرودگاه شیراز اعلام کرد که حادثه حسینیه رهبویان بمب‌گذاری هدایت شده از سوی کشورهای خارجی بوده و عوامل آن دستگیر شده‌اند. ابتدا، ماهیت بمب‌گذاران و نام این «کشورهای خارجی» گفته نشد ولی اندکی بعد این حادثه بمب‌گذاری از سوی یک شبکه «سلطنت‌طلب» اعلام گردید. کمی بعد ماجرا پیچیده‌تر و «سازمان‌یافته‌تر» عنوان شد و ابعاد آن بالا گرفت. از ارتباطات شبکه‌ای بمب‌گذار با دولت‌های آمریکا و انگلیس و اسرائیل سخن رفت؛ از انفجار هتلی در تهران که خبر آن در جایی انعکاس نیافته بود؛ و نیز از تلاش برای انفجار سرکنسولگری روسیه در رشت و غیره. در سخنان بعدی وزیر اطلاعات نقش دولت بریتانیا در این حادثه به تدریج کم‌رنگ‌تر شد:

«وزیر اطلاعات با بیان این که کسانی که انفجار حسینیه شیراز را بر عهده داشتند، از آمریکا هدایت می‌شدند و همه آموزش بمب‌گذاری، اقدامات اطلاعاتی و زمینه فرار را برایشان تدارک می‌دیدند، افزود: حمایت مالی و تجهیزات خرابکاری را هم کسانی که ساکن آمریکا هستند در اختیار آن‌ها می‌گذاشتند. وی اضافه کرد: دستور حادثه شیراز هم از سوی آن‌ها صادر شده بود و هدفشان مراکز علمی، حوزوی، حسینیه‌ها و مساجد بود. هدف آن‌ها این بود که اختلافات مذهبی را با این ترورها [۹] و بمب‌گذاری‌ها هدایت کنند. ربودن امام جمعه‌ها، حمله به مساجد اهل سنت و دیگر اقدامات از سوی شبکه‌های مختلفی که از آمریکا هدایت می‌شد، صورت می‌گرفت. اژه‌ای همچنین اعلام کرد: هدف بعدی آن‌ها در شهر رشت و سرکنسولگری روسیه بود تا با انفجار آن رابطه بین ایران و همسایگان را به هم بزنند.» [۷]

وزیر اطلاعات در گفتگوی اول خرداد ۱۳۸۷ خود گفت:

«به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، محسنی اژه‌ای وزیر اطلاعات امروز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیئت دولت به خبرنگاران گفت: در انفجار شیراز عمدتاً آمریکا دخالت داشته است که مستندات خوبی از دخالت آمریکا در امور داخلی کشورهای منطقه و ایران در دست داریم. اژه‌ای در پاسخ به این پرسش که آیا هدف تروریست‌ها شخصیت‌ها و مراجع تقلید بوده است افزود: شبکه‌هایی از خرابکاران را دستگیر کرده‌ایم که هدفشان ناامن‌سازی مناطق علمی به‌ویژه حوزه‌های علمیه بوده است. وزیر اطلاعات در مورد اطلاعات بیشتر در مورد دستگیرشدگان گفت: هم اکنون نمی‌توان در این مورد صحبت کرد و اعلام بیشتر منوط به دستور قاضی پرونده است. اژه‌ای در پاسخ به این سؤال که آیا هنوز شاخه‌های از خرابکاران دستگیر نشده‌اند گفت: سعی ما بر این است که تمام شاخه‌های خرابکاری را

دستگیر کنیم و از این بابت مردم دغدغه‌ای نداشته باشند. خبرنگاری از اژه‌ای پرسید: آیا صحیح است که روسیه به خاطر بمب‌گذاری در کنسول‌گری خود در شمال ایران از ایران ناخرسند است؟ که اژه‌ای پاسخ داد: اطلاعات شما غلط است و حتی روسیه از ما تشکر هم کرده است.» [۸]

در روزهای اخیر **آیت‌الله دری نجف‌آبادی**، دادستان کل کشور، در بازگشت از سفر به شیراز، در فرودگاه این شهر، اعلام کرد که «دادگستری استان فارس با حسن‌نیت و تعامل مطلوب این پرونده را در اختیار دادستانی کل کشور قرار داده است.»

«دری نجف‌آبادی با اشاره به این که ده تن از متهمان دستگیر شده در این پرونده از اهالی استان فارس هستند، دستگیرشدگان را افرادی مزدور، جنایتکار و خبیث خواند و گفت: فعالیت این گروه از یک سال قبل آغاز شده و **قضایای سد سیوند** [بنگرید به پی‌نوشت من در انتهای این یادداشت - شهبازی] و ماجراهای دیگری را نیز این افراد ایجاد کرده و دامن زده‌اند... دادستان کل کشور گفت: افرادی که در خارج از کشور وظیفه هدایت و حمایت از این مزدوران جنایتکار را عهده‌دار بوده‌اند نیز تحت پیگرد قضایی جمهوری اسلامی قرار دارند و این پیگردها تا دستگیری و محاکمه آنان در دادگاه صالحه ادامه خواهد داشت. دری نجف‌آبادی با تأکید بر این که **حمایت آمریکا و اسرائیل** از این گروه تروریستی محرز شده است، گفت: براساس اسناد مالی و مدارک به دست آمده از این افراد و همچنین اعترافات متهمان این ارتباط مشخص و محرز شده است. دادستان کل کشور همچنین گفت: این گروه تروریستی که مدعیان دروغین آزادی و حقوق بشر آنان را حمایت می‌کردند قصد داشتند در نمایشگاه کتاب نیز بمب‌گذاری کنند و براساس اعترافات متهمان هدفشان خرابکاری و بمب‌گذاری در مکان‌های عمومی که بیش از ۳۰۰ نفر جمعیت در آن تردد دارند بوده است. دری نجف‌آبادی... در خصوص علت اعلام نظرهای اولیه که از سوی برخی مسئولان استان فارس و کشور و با قاطعیت بیان شده و احتمال خرابکاری را منتفی دانسته بودند گفت: دستگاه قضائی در این خصوص هیچ اظهار نظری نداشت.» [۹]

چنان‌که می‌بینیم، در دو مصاحبه اخیر نام «انگلیس» کاملاً فراموش شده!

اظهارنظر محققین و تحلیل‌گران سیاسی در هر حادثه مهمی در جهان امروز، در زمان حادثه، مرسوم است و به کشف حقیقت یاری می‌رساند؛ به‌ویژه در حادثه‌ای که با ابهام‌های فراوان آغاز شد به نحوی که از همان آغاز افکار عمومی را نسبت به اظهارات متناقض مسئولین بدبین و شکاک نمود. در مسئله‌ای تا بدین پایه مهم و مرتبط با آبروی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نمی‌توان ساکت نشست هر چند این اظهارنظر ممکن است کسانی را به دسیسه‌های بیش‌تر علیه من برانگیزاند. همان‌گونه که رهبری فرموده‌اند «محافظة کاری قتلگاه انقلاب است»؛ به‌ویژه زمانی که تمامی شواهد حاکی از آن است که جان‌عده‌ای جوان بی‌گناه و آبروی نظام مقدس جمهوری اسلامی، و حیثیت شخصیت روحانی خدومی چون آیت‌الله دری نجف‌آبادی، در کنار اعتبار و حیثیت دولت عدالت‌خواه دکتر احمدی‌نژاد، آماج برخی بازی‌های خطرناک قرار گرفته که پیش‌نمونه‌های آن را در تاریخ قریب به سه دهه موجودیت نظام اسلامی در ایران مکرر دیده‌ایم.

در رابطه با ابهام‌های موجود در زمینه انفجار کانون رهپویان وصال توجه آیت‌الله دری نجف‌آبادی به عنوان دادستان کل کشور، که مسئولیت مستقیم پرونده را متقبل شده‌اند، به موارد زیر جلب می‌کنم:

۱- آخرین گزارش منتشر شده «ستاد حقیقت یاب دانشجویی»، که متن کامل آن به پیوست است و حاصل کار دو ماهه فنی دانشجویان عضو ستاد فوق می‌باشد، بمب‌گذاری، به‌گونه اعلام شده از سوی وزیر اطلاعات، را منتفی می‌داند. مُدافه در این گزارش تخصصی نشان می‌دهد که حادثه به دلیل منفجر شدن مین پلاستیکی تی. ام. ۴۶ ضد تانک (از نوع ایرانی) موجود در غرفه نمایشگاه جنگ (معراج شهدا)، واقع در کانون رهپویان وصال، رخ داده. مواد آر. دی. ایکس (ماده منفجره موجود در مین‌های فوق) در محل انفجار یافت شده و وجود آن توسط کارشناسان هیئت‌های مختلف اعزامی در آزمایشگاه به اثبات رسیده است. بنابراین، با استناد به گزارش‌های کارشناسی - آزمایشگاهی فوق، که در اختیار نهادهای مسئول از جمله ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، هیچ شبهه‌ای در این‌که مین فوق عامل اصلی انفجار بوده وجود ندارد.

۲- ماده آر. دی. ایکس را نمی‌توان به‌طور دست‌ساز تولید کرد. این ماده محصولی کاملاً آزمایشگاهی و تخصصی - نظامی است که در مین‌های فوق، و مهمات مشابه، به کار می‌رود. بنابراین، موارد ادعا شده توسط وزیر محترم اطلاعات درباره شبکه فوق نمی‌تواند منطبق با انفجار در کانون رهپویان وصال باشد. ممکن است شبکه‌ای خرابکار، با مختصات گفته شده از سوی وزارت

اطلاعات، وجود داشته؛ ولی، با توضیح پیشگفته و تطبیق آن با اظهارات وزیر اطلاعات، این شبکه نمی‌توانست عامل انفجار در کانون رهپویان وصال باشد.

۳- این مین، چنان‌که تصاویر نشان می‌دهد، از مدت‌ها قبل از انفجار در غرفه وجود داشته. مین فوق، چنان‌که در آغاز یادداشت گفتم، غیرمسلح و فاقد چاشنی بوده و، به‌رغم وجود مواد منفجره آر. دی. ایکس در درون آن، قابلیت انفجار نداشته است. لازم به توضیح است که در غرفه فوق، چنان‌که تصاویر نشان می‌دهد، مین دیگری، از نوع وی. اس. ۲۲ (ضد خودرو)، نیز وجود داشته که کاملاً خالی و فاقد مواد منفجره بوده است.

۴- تحقیقات نشان می‌دهد که خرابکاران با اطلاع از خنثی نبودن مین ضد تانک فوق نقشه انفجار را با دقت طراحی و با فراغ‌بال اجرا کرده‌اند.

۵- طبق این تحقیق، و تحقیقات مستند برخی نهادهای مسئول که توجه آیت‌الله دری نجف‌آبادی را به آن جلب می‌کنم، انفجار به گونه زیر رخ داده است: خرابکاران در زیر غرفه نمایشگاه جنگ بمبی دست ساز و کوچک، با قدرت تخریب اندک، کار گذاشته‌اند که از طریق کنترل از راه دور منفجر شده است. این انفجار کوچک به عنوان چاشنی عمل کرده و به انفجار مین ضد تانک انجامیده و فاجعه حسینی سیدالشهداء کانون رهپویان را آفریده است. به این دلیل، انفجار دقیقاً در زمان مورد نظر آنان رخ داده است.

۶- با توجه به توضیحات فوق، خرابکاران نمی‌توانستند با محیط کانون رهپویان وصال بیگانه باشند. به عبارت دیگر، آنان در کانون فوق دارای افرادی «نفوذی» و کاملاً مطلع از جزئیات بودند.

۷- علاوه بر مغایرت این تحقیقات با اظهارات وزیر اطلاعات، آنچه ماجرای شبکه ادعایی فوق را حساس‌تر می‌کند، و آن را به یکی از مسائل درجه اول ملی بدل می‌سازد، اوج‌گیری گام به گام تبلیغات در این زمینه و گسترش روزافزون دعاوی درباره ابعاد حیرت‌انگیز عملکرد این شبکه است که گویا، به گفته مقامات اطلاعاتی، از چند جوان کم سن و سال متأثر از شبکه‌های تلویزیونی فارسی زبان «لس آنجلسی» ایجاد شده!

از زمان کودتای نوژه (۱۳۵۹) «سلطنت‌طلبان» به هیچ‌گونه عملیات تروریستی و بمب‌گذاری در ایران دست نزده‌اند، و اصولاً در چنین قد و قواره و واجد چنین جرئت و جسارتی نبوده‌اند. تمامی عملیات مشابه در دوران جنگ تحمیلی و پس از آن از سوی فرقه رجوی (منافقین) و استخبارات حکومت صدام، با هدایت سالار جاف، اجرا می‌شد. معلوم نیست گروهی جوان هوادار رضا پهلوی، که با تیپ اجتماعی آنان کاملاً آشناستیم، به‌ناگاه چگونه دارای چنین اقتدار و جسارت و انگیزه‌های آرمان‌خواهانه و قدرت سازماندهی شدند که برای انفجار سرکنسولگری روسیه و لوله‌های نفت و حوزه‌های علمیه و مصلاهی تهران و غیره و غیره طراحی و حتی اقدام کنند! و معلوم نیست چرا از میان این همه برنامه عریض و طویل فقط انفجار حسینی رهپویان شیراز تحقق یافت که آن هم منطبق با داده‌های ارائه شده از سوی وزیر اطلاعات نیست.

۸- همزمانی این تبلیغات از سوی برخی کانون‌ها در ایران با اوج‌گیری بحران در منطقه (حوادث لبنان و تحولات درونی و احتمال کودتا در سوریه و تدارک حمله اسرائیل به سوریه در تابستان جاری) و پایان قریب‌الوقوع حکومت جنون‌آمیز نومحافظه‌کاران در آمریکا و اوج‌گیری بی‌سابقه تحركات جنگ‌افروزانه ضد ایرانی از سوی آنان، این بیم را برمی‌انگیزاند که تبلیغات فوق دستمایه‌ای برای ایجاد تعارض خونین میان ایران و آمریکا و تحقق آرزوی شوم جنگ افروزان نومحافظه‌کار و صهیونیست باشد.

۹- اعترافات تلویزیونی دستگیرشدگان برای افکار عمومی قانع‌کننده نخواهد بود. ما در ماجرای جنجال‌پرونده «قتل‌های زنجیره‌ای» از طریق مطبوعات با ماجرای مهدی نحوی آشنا شده‌ایم و صحت این ماجرا به تأیید افراد مطلع و موثق رسیده است. در ماجرای انفجار خونین حرم مطهر رضوی (ع) بمب‌گذاران شناخته نشدند. سعید امامی، معاون وقت امنیت وزارت اطلاعات، سناریویی را طراحی کرد. او ابتدا شنود مکالمات یکی از فرماندهان طالبان، مستقر در نزدیکی مرزهای ایران در افغانستان، را به مقامات مربوطه ارائه داد که می‌گفت: «عملیات انجام شد.» آن زمان در افغانستان روزانه هزاران عملیات انجام می‌شد ولی سعید امامی مدعی شد که این شنود مربوط به انفجار حرم رضوی (ع) است و چون اعلام این خبر به تشدید اختلاف میان شیعه و سنی و جنگ احتمالی با طالبان خواهد انجامید، برای اجتناب از این تعارض باید بمب‌گذاری را به منافقین منتسب کرد. در نتیجه، جوانی ۱۸-۱۹ ساله از «تواین» زندانی عضو فرقه رجوی (منافقین)، به‌نام مهدی نحوی، را یافتند و با وعده آزادی او را به همکاری ترغیب کردند. مهدی نحوی را به صورت فردی مجروح در اثر اصابت گلوله گریم کردند. سپس، در بیمارستان مصاحبه‌ای تصویری با وی انجام دادند و وی، که گویا در آستانه مرگ بود، بمب‌گذاری در حرم را متقبل شد. سپس، نحوی را با اتومبیل به تهران پارس بردند و او را آزاد کردند. کمی پس از آزاد شدنش، او را به محاصره گرفتند و به گلوله بستند. نحوی کشته شد. همان شب خبر درگیری مسلحانه در تهران پارس و مجروح شدن و اندکی بعد مرگ

عامل بمب گذاری در حرم رضوی (ع)، به همراه مصاحبه نحوی، از تلویزیون پخش شد. با توجه به انتشار چنین وقایعی در مطبوعات، مردم چگونه می‌توانند به اظهارات گروهی جوان رفاه‌طلب و غیرمتخصص، که گاه حتی بدون یک تلنگر حاضر به تمکین در برابر هر فشاری هستند، باور کنند؟ تصادفاً دو تن از این دستگیرشدگان را می‌شناسم. این دو را بسیاری از کسانی که در شیراز با امور رایانه و اینترنت به‌طور فعال سروکار داشته‌اند می‌شناسند. هر دو، به گمان من، از جوانان برجسته و بسیار با استعداد در امور رایانه‌ای، به‌ویژه نرم‌افزار، بودند که مشابه‌شان را در تهران ندیدم. دستگیر کردن این دو به اتهام بمب‌گذاری برایم بسیار عجیب و باورنکردنی بود. سایر دستگیرشدگان را نمی‌شناسم ولی اگر از جنس این دو تن باشند طنز «خرس سیاه و خرگوش سفید» در عالم واقع در شرف وقوع است!

۱۰- «شیرازی‌های زرنگ» رسیدگی به این پرونده جنجالی و پراز ابهام و تناقض را به آیت‌الله درّی نجف‌آبادی، دادستان کل کشور، «پاس داده‌اند.» شاید در پس این «زرنگی» مشیت الهی نهفته باشد. آیت‌الله درّی، که یک بار تجربه تلخ «توطئه قتل‌های زنجیره‌ای» را، که شخص ایشان به عنوان وزیر وقت اطلاعات از هدف‌های اصلی آن دسیسه پیچیده بود، در مقام «قابله رستم»، تجربه کرده‌اند، شایسته است در این پرونده به تمامی جوانب قضیه توجه نمایند. با توجه به علاقه به آیت‌الله درّی و اعتقاد به سلامت نفس و حسن‌نیت ایشان، سخت نگران آنم که انداختن این پرونده به گردن دادستان کل کشور دامی مشابه برای وی باشد.

امیدوارم، آیت‌الله درّی نجف‌آبادی، با درایت و هشیاری کامل و مطالعه دقیق گزارش‌های کارشناسی نهادهای مختلف امنیتی و نظامی به‌ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، این پرونده را از آغاز مورد رسیدگی دقیق قرار دهند و بدون تأثیرپذیری و پروا از هر گونه «مصلحت‌اندیشی کاذب»، که ممکن است به ایشان القاء شود، آن‌چه را که حق است، و مرضی خداوند متعال، با قاطعیت پیگیری کنند.

شیراز

شنبه، چهارم خرداد ۱۳۸۷

ساعت ۳:۳۰ صبح

بعدالتحریر: من در گزارش تصویری خود، اندکی پس از حادثه (یکشنبه ۲۵ فروردین، ساعت ۳:۴۵ صبح)، [۱] بر اساس گفتگو با کارشناسان حاضر در صحنه، نوشتم:

«حادثه انفجار بمب‌گذاری دقیقاً طراحی شده و سازمان‌یافته بود. بمبی دست‌ساز به وزن ۳۰ الی ۳۵ کیلوگرم از چند روز قبل در محل حسینی در زیر جعبه‌ای آهنی در محل نمایشگاه شهدا کار گذارده شده بود. انفجار این بمب محفظه آهنی را تکه تکه کرد و ترکش‌های آن صدها تن عزاداران حاضر در حسینی را هدف قرار داد.»

این گزارش اولیه با گزارش کنونی من منطبق است. قدرت انفجار مین ضد تانک تی. ام. ۴۶ و بمب دست‌ساز که در زیر آن به عنوان چاشنی عمل کرده تقریباً برابر با قدرت انفجار بمب دست‌ساز ۳۰ - ۳۵ کیلوگرمی است. بمب دست‌ساز، که از راه دور هدایت شده، حفره‌ای به عمق حدود ۳۰ سانتی‌متر ایجاد کرده است. این حفره نشان می‌دهد که بمب دست‌ساز فوق قوی نبوده و فقط به عنوان چاشنی برای انفجار مین ضد تانک مورد استفاده قرار گرفته است. اگر تمامی انفجار ناشی از بمب فوق بود حفره ایجاد شده باید گودالی بسیار بزرگ‌تر ایجاد می‌کرد.

پی‌نوشت: در رابطه با نکته‌ای که آیت‌الله درّی نجف‌آبادی درباره «جنجال سد سیوند» گفته‌اند ارجاع می‌دهم به یادداشت ۱۰ شهریور ۱۳۸۴ خود در این زمینه با عنوان «به دلیل احداث سد هیچ خطری بناهای باستانی فارس را تهدید نمی‌کند.» [۱۰] این جنجال را آقای محمدحسن طالبیان، رئیس «بنیاد پژوهشی پارسه پاسارگاد»، وابسته به سازمان میراث فرهنگی فارس، با سخنان غیرمسئولانه خود پدید آورد. (بنگرید به یادداشت ۱۱ شهریور ۱۳۸۴ من با عنوان «بی‌بی‌سی فارسی نیز به هیاهوی سد سیوند پیوست») [۱۱] در همان زمان با ذکر نام آقای طالبیان به این امر اشاره کردم. با توجه به پیگیری دقیق ماجرای «جنجال سد سیوند» و شناخت دست‌اندرکاران این ماجرا و نگارش اولین یادداشت‌ها علیه این هیاهوی تبلیغی - رسانه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران، نمی‌دانم چگونه می‌توان سناریوی فوق را به افراد دستگیرشده منتسب کرد؟!



عکس بالا: فرامرز شیخ‌الاسلامی و پسرخاله‌اش محمد شاه قطبی دو تن از دستگیرشدگان به اتهام بمب‌گذاری در حسینیه کانون رهیویان وصال
عکس پائین: محمد شاه قطبی در حال تنظیم کامپیوتر شجاع‌الدین (محمدطاهر) حائری، پسر آیت‌الله حائری شیرازی (امام جمعه شیراز)



پیوست:

متن آخرین گزارش «ستاد حقیقت یاب دانشجویی حادثه انفجار در کانون رهبوبان وصال شیراز»

مأخذ:

<http://bombingrahpouyan.blogfa.com>

<http://www.edalatkhahi.ir/002555.shtml>

۱- محل انفجار به علت وجود شعاع شکست آن، و همچنین خم شدگی میله‌های معراج با توجه به تصاویر قطعاً همان محل قرارگیری مین‌ها بوده است. همچنین پیدا نشدن آثار به جای مانده از بقایای پوشش بمب، که ادعا می‌شد در یک کیف سامسونت سیاه و در به قولی کیف برزنتی و در نقلی دیگر کیفی قهوه‌ای است، نیز اماره‌ای دیگر بر عدم وجود بمب است.





شماره های ۱، ۲ و ۳ مشترک در هر ۳ تصویر بالا انطباق محل انفجار و محل مین ها را نشان می دهد.

شماره ۵ زرد رنگ و (خم شدن میله های انتهایی) و دیگر شواهد نیز همچنین شماره های ۶ و ۴ نیز نشان از بقایای سقف معراج شهدا می باشد که در بالای محل قرارگیری مین ها اثراتی از سقف نمانده در صورتی که در طرف دیگر تکه ای از سقف (شماره ۶) مانده است.

دو فلش آبی بدون شماره نیز نشان از بازشدگی میله های به سمت بیرون محفظه است که ممکن است فلش بالایی و تکه میله روی آن جدا شده باشد.

در تصویر دوم نکته جالبی به ذهن ما رسید که خالی از لطف نیست: خم شدن میله انتهایی و میله نازک وسط مطابق با انفجار از محل مین ها (خم شدن میله نازک وسط به طرف پایین و جدا شدگی اتصالات که با دایره مشخص شده است و خم شدن میله آخر به طرف بیرون که با بیضی مشخص شده است) و عدم جدا شدن میله نازک وسط با توجه به نزدیک بودن بمب فرضی به آن چگونه ممکن است. همچنین تکه فلزی "اف" مانند احتمالاً جدا شده که بر روی میله ها بالای بیضی ترسیم شده قرار گرفته دارای حاشیه هایی است که نشان از آن دارد که متعلق به یکی از گوشه های پایینی معراج می باشد در کنار بمب فرضی سالم مانده.

در ذهن دوستان سؤال های متفاوتی در مورد قدرت انفجار مین ها به وجود آمده است مثلاً این که آیا یک مین ضد تانک می تواند با سقف حسینیه این کار را بکند؟ در تصویر موجود سمت چپ خودرویی را مشاهده می کنید که پس از رفتن بر روی یک مین ضد خودرو به این روز در آمده است. مطمئناً پرتاب صفحات پهن سقف حسینیه که از خروج فشار جلوگیری می کنند دور از ذهن نیست. همچنین قابل ذکر است قدرت تخریبی مین ضد تانک چیزی نیست که بتوان آن را نادیده گرفت. دقت شود که این مین برای نابودی تانک ساخته شده است.

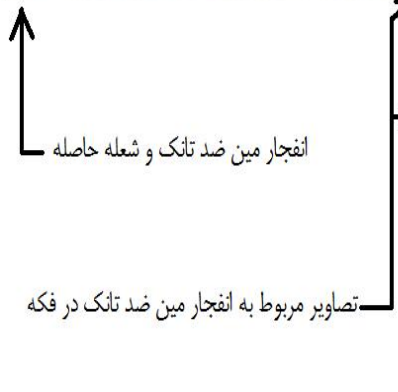


قدرت انفجار مین ضد تانک و سقف
حسینیه سید الشهداء پس از انفجار

یکی دیگر از سئوالات مطرح این است که آیا مین‌ها قدرت ایجاد سوختگی دارند؟

تصویر سمت چپ خودرویی را نشان می‌دهد که بر روی یک مین ضد خودرو رفته است. همانطور که می‌بینید شعله ایجاد شده در آن نشان از آن دارد که طبق تحقیقات این قابلیت در مین‌ها موجود است. مین‌های موجود در نمایشگاه از نوع VS22 و TM 46 ایرانی (که در اواخر جنگ تولید شد و تفاوتش با TM 46 قدیمی که بدنه فلزی داشت در پلاستیکی بودن بدنه آن است که به خاطر پلمب بودن آن و عدم شکاف بر روی بدنه در تصاویر مطمئناً مواد منفجره آن خارج نشده است) بوده است. لازم به ذکر است طبق تحقیقات برخی از مواد منفجره قابلیت ایجاد سوختگی دارند از جمله پتن ، RDX و مشتقات آمونیوم که در این نوع مین نیز این مواد موجود هستند.

همچنین دو تصویر سمت راست تصاویر بقایا و اجساد به جا مانده از انفجار مین ضد تانک که در سال‌های گذشته در فکه رخ داده است که بررسی و مقایسه مجروحین آن با مجروحین حادثه شیراز خالی از لطف نیست. می‌توانید اخبار آن را با جستجوی کلمات "انفجار مین + فکه" در گوگل بیابید.



انفجار مین ضد تانک و شعله حاصله

تصاویر مربوط به انفجار مین ضد تانک در فکه



TM46 MINE



تصویر چپ نشان گر محل انفجار که البته وبلاگ کوثر ۲۱ میله های قرمز را بر عکس کشیده است توجه شود به عکسهای دیگر و نحوه چینش وسائل داخل معراج چرا که در عکس سمت راست معراج پس از پرتاب شدن به هوا دیده می شود که با احتمال زیاد چرخانده شده است .

در مورد تصویر آخر نیز نکاتی قابل ذکر است از جمله این که مکان انفجار مین‌ها در سمت متفاوتی از فرض اولیه است که مورد اشاره قرار گرفته است و در واقع محل جدا شدن میله‌ها سمت خطوط آبی رنگ است. این نکته را از مقایسه وسائل درون معراج می‌توان تشخیص داد. (اگر میله قرمز رنگ را شماره یک در نظر بگیرید میله سوم درست در عرض محل انفجار مین‌ها واقع است.)

بحث مطرح دیگر وجود یا عدم وجود قیف انفجاری در بمب است. با توجه به کارکرد قیف انفجاری که باعث جهت دهی به انفجار می‌شود و حادثه شیراز که هیچ جهت دهی در انفجار دیده نمی‌شود، یعنی انفجار در تمام جهات صورت گرفته است، فقط احتمال وجود قیف انفجاری در چاشنی کار گذاشته شده جهت ایجاد انفجار محتمل است.